

خرافه و جامعه دینی

سید علیرضا افشانی

(استاد یار دانشگاه یزد)



مجلس شورای اسلامی ایران



وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

خرافه و جامعه دینی

سید علیرضا افشانی

- ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، شعبه اصفهان
- تهیه: مرکز مطالعات اسلامی
- ویراستار: فریدون راهمان مفرد
- چاپ: باقری
- چاپ اول: تابستان ۱۳۹۱
- شمارگان: ۴۰۰ نسخه
- قیمت: ۲۰۰۰ تومان

همه حقوق برای ناشر محفوظ است.
نشانی: اصفهان، خیابان حافظ، چهارراه کرمانی، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم - شعبه اصفهان.
تلفن و دورنگار: ۰۳۱-۲۲۳۶۷۶۰
مراکز پخش: ۱. اصفهان: تلفن: ۲۲۲۰۲۷۰
۲. قم، تلفن و دورنگار: ۷۷۴۳۴۲۶
۳. تهران، تلفن: ۶۶۹۵۱۵۳۴
وب سایت: www.morsalat.com؛ پست الکترونیک: nashr.disf@dti.ir

سرشناسه: افشانی، سیدعلی رضا، ۱۳۵۳-
عنوان و نام پدیدآور: خرافه و جامعه دینی - سیدعلی رضا افشانی
مشخصات نشر: اصفهان: حوزه علمیه قم، دفتر تبلیغات اسلامی، شعبه استان اصفهان، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری: ۲۶۳ ص: جدول (بخشی رنگی)، نمودار (بخشی رنگی).
شابک: 978-964-96926-0-9
وضعیت فهرست نویسی: فیا.
یادداشت: واژه نامه.
یادداشت: کتابنامه: ص. ۲۲۷-۲۳۲.
یادداشت: نمایه.
موضوع: خرافات (اسلام)
موضوع: خرافات
شناسه افزوده: حوزه علمیه قم، دفتر تبلیغات اسلامی، شعبه استان اصفهان.
رده بندی کنگره: ۱۳۹۱ الف ۷/خ ۲۷۲/۸ BP
رده بندی دیویی: ۲۹۷/۷
شماره کتاب شناسی ملی: ۲۸۱۷۷۶۸

فهرست مطالب

۱۳	ی با خواننده
۱۵	یده

فصل اول: کلیات تحقیق

۱۷	
۱۹	سأله
۲۱	مخالف تحقیق
۲۲	تعاریف خرافات
۳۰	تاریخچه‌ی خرافات در ایران

فصل دوم: منابع نظری تحقیق

۳۵	یژگی‌های خرافات
۳۵	۱. دایمی بودن و جدایی ناپذیری از زندگی انسان
۳۷	۲. جایگزینی، تسکین بخشی و تسلط آفرینی
۳۷	۳. پایدار بودن

۴. بی‌ریشه بودن ۳۸
- عوامل و زمینه‌های پیدایش، رشد و نشر خرافات ۳۹
۱. جهل علمی ۴۱
۲. ویژگی ذاتی روح آدمی ۴۳
۳. تقلیدات کورکورانه و تلقین‌های دوران کودکی ۴۴
۴. انحراف از فطرت ۴۵
- انواع خرافات ۴۶
۱. کهنات و پیش‌گویی حوادث آینده: ۵۱
۲. جن‌گیری و احضار روح ۵۴
۳. طالع‌بینی و فال‌بینی ۵۸
۴. توسل به جادو، طلسم و تئویذ: ۶۰
۵. عقیده به حاکمیت سرنوشت لا‌تغییر ۶۳
۶. عقیده به بخت و شانس و قسمت: ۶۴
- منشأ اعتقادات جوامع ابتدایی ۶۷
- دین و جادو ۶۸
- دین اسلام و خرافات ۷۱
- بررسی دیدگاه‌های مختلف در مورد خرافات ۸۷
۱. دیدگاه جامعه‌شناسان و مردم‌شناسان در مورد خرافات ۸۷
- الف - پیتروسل ۹۰
- ب - مالدینوفسکی ۹۲
- ج - تایلر ۹۳
- د - سر جیمز فریزر ۹۳

۱۴۷	۶. تأهل
۱۴۸	۷. گرایش به خرافات
۱۵۱	روش تحقیق
۱۵۲	جمعیت آماری
۱۵۴	شیوهی نمونه گیری
۱۵۴	حجم نمونه
۱۵۵	ابزار گردآوری داده ها
۱۵۶	تکنیک های مورد استفاده در تجزیه و تحلیل داده ها
۱۵۶	اعتبار و پایایی

فصل چهارم: تجزیه و تحلیل داده ها

۱۵۹	مقدمه
۱۶۰	یافته های توصیفی
۱۶۰	۱. جنس:
۱۶۱	۲. وضعیت تأهل:
۱۶۱	۳. میزان تحصیلات:
۱۶۲	۴. تحصیلات والدین
۱۶۵	۵. درآمد ماهیانه خانواده:
۱۶۵	۶. نوع منزل:
۱۶۶	۷. دینداری:
۱۶۷	گرایش به خرافات
۱۶۸	۱. اسفند دود کردن برای جلوگیری از چشم زخم:

۹۵	هـ - لوی بروول
۹۷	۲. دیدگاه روان‌شناسان درمورد خرافات
۱۰۲	الف - لیمان
۱۰۴	ب - اسکینر
۱۰۷	ج - فروید
۱۱۰	د - فیلد
۱۱۰	هـ - یونگ
۱۱۴	پیشینه‌ی تحقیق
۱۱۴	۱. تحقیقات داخلی
۱۱۹	۲. تحقیقات خارجی
۱۲۴	فرضیات تحقیق

فصل سوم: روش‌شناسی تحقیق

۱۲۷	مقدمه
۱۳۰	تعریف نظری و عملیاتی مفاهیم و متغیرها
۱۳۰	۱. دینداری
۱۳۹	۲. پایگاه اقتصادی - اجتماعی
۱۴۲	۱. دارایی
۱۴۲	۲. منزلت
۱۴۶	۳. جنسیت
۱۴۷	۴. سن
۱۴۷	۵. تحصیلات

۲. چیز خور شدن و یا چیز خور کردن افراد: ۱۶۹
۳. آویزان کردن نمک باعث حفاظت انسان می‌شود: ۱۷۱
۴. صبر در هنگام عطسه برای رفع خطر احتمالی: ۱۷۲
۵. اگر نغفه‌های قبیچی به هم بخورد حتماً دعا می‌شود: ۱۷۴
۶. شکستن تخم مرغ برای جلوگیری از چشم‌زخم: ۱۷۵
۷. پاشیدن نمک در کفش میهمانی که می‌خواهیم زودتر برود: ۱۷۷
۸. خوردن آب سرعته بخت دختران را می‌گشاید: ۱۷۸
۹. گره زدن سبزه برای برآورده شدن آرزوها و حاجات: ۱۸۰
۱۰. آب ریختن پشت سر مسافر برای سالم برگشتن او: ۱۸۲
۱۱. پاشیدن آب به گربه باعث درمان زگیل روی دست می‌شود: ۱۸۳
۱۲. جوشاندن آب باران باعث قطع باران می‌شود: ۱۸۵
۱۳. آویزان کردن مهره‌ی مار برای جلوگیری از چشم‌زخم: ۱۸۶
- مشاغل خرافی ۱۸۸
۱. طلسم و جادو کردن: ۱۸۸
- الف - واقعی یا غیر واقعی بودن ادعاهای جادوگران و طلسم‌کننده‌ها: ۱۸۸
- ب - مراجعه به آنها و نتیجه: ۱۸۹
۲. فال‌گیری‌ها: ۱۹۰
۳. طالع‌بین‌ها: ۱۹۱
۴. درمان بیماری‌های لاعلاج: ۱۹۳
۵. افسون‌گران: ۱۹۴
۶. ارتباط با ارواح و احضار آنها: ۱۹۶
- عقاید خرافی ذهنی ۱۹۸

۱. عدد ۱۳ نحس است: ۱۹۸
۲. خوش شانس و بدشانسی: ۱۹۹
۳. نگاه کردن به آینه در شب بدیمن است: ۱۹۹
۴. بعضی از روزها، مکان‌ها و رنگ‌ها نحس است: ۲۰۰
۵. گرفتن چاقو به طرف کسی باعث کم شدن عمر شخص می‌شود: ۲۰۱
۶. وقتی پیروی سرسره‌ی غذا می‌رسد مادرزنش او را دوست خواهد داشت: ۲۰۱
۷. شخصیت افراد تا حد زیادی با طالع ماه تولدشان مرتبط است: ۲۰۲
۸. وصل کردن سباج به لباس برای محافظت از جن زدگی: ۲۰۳
۹. بچه‌ای که زیاد گریه کند قطعاً خوش آواز می‌شود: ۲۰۴
- یافته‌های تبیینی ۲۰۴
- تأثیر جنسیت بر میزان گرایش به خرافات ۲۰۵
- تأثیر وضعیت تاهل بر میزان گرایش به باورهای خرافی ۲۰۶
- تأثیر سن پاسخ‌گویان بر میزان گرایش به خرافات ۲۰۶
- تأثیر میزان تحصیلات پاسخ‌گویان بر میزان گرایش به خرافات ۲۰۷
- تأثیر میزان تحصیلات والدین بر میزان گرایش به خرافات ۲۰۸
- تأثیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی پاسخ‌گویان بر میزان گرایش به خرافات ۲۰۹
- تأثیر میزان دینداری پاسخ‌گویان بر میزان گرایش به خرافات ۲۱۰

فصل پنجم: نتیجه‌گیری و پیشنهادات

- خلاصه‌ی یافته‌ها ۲۱۱
- دیدگاه صاحب‌نظران درباره‌ی مبارزه با خرافات ۲۱۵
- پیشنهادات ۲۲۱

فهرست مطالب ۱۱

۲۲۱	۱. پیشنهادات پژوهشی:
۲۲۲	۲. پیشنهادات اجرایی:
۲۲۵	محدودیت‌های تحقیق
۲۲۷	منابع
۲۲۷	الف) فارسی
۲۳۲	ب) لاتین
۲۳۵	پیوست‌ها
۲۳۵	پیوست شماره ۱: مواردی از خرافات
۲۴۳	پیوست شماره ۲: نمونه‌ی پرست‌نامه
۲۴۹	فهرست جداول
۲۵۱	فهرست نمودارها
۲۵۷	نمایه
۲۵۷	آیات
۲۵۸	روایات
۲۵۹	اسامی
۲۶۲	مکان‌ها
۲۶۳	کتاب‌ها

سخنی با خواننده

نخستین بارقه‌ی وحی - که سرآغاز تمدن شکوهمند اسلامی بود - سخن از خواندن داشت، و خداوند «آموزگار»، که قلم در کار می‌کند، تا آدمی را بیاموزاند.

وحی، «بیان» بود، و سخن و سوره‌ی معصومان علیهم‌السلام که همانا پاکان و باورمندان امت هستند، «تبیین» آن. و چنین شد که هر چند عصر «بیان» کوتاه بود، اما دوره‌ی «تبیین»، که اصالتاً عصر معصومان را در برداشت، به دلالت و امر همانان، تا روزگار ما، و تا روز بازپسین ادامه خواهد داشت.

تلاش‌ها و تکاپوهای فکری - فرهنگی دانشیان مسلمان از این رهگذر که نشان از علم‌جویی و حقیقت‌طلبی آنان دارد، بسیار ارزنده است، و از آن رهگذر - که نشانگر امتداد عنصر تبیین است -، بسیار مقدس، چه براین باور، تبیین - و به دیگر سخن: پژوهش - در چشم کردن توتیای عباری است، که از کوی معصومان برخاسته، و در فضای فرهنگی مسلمین، پراکنده شده است.

«مرکز مطالعات اسلامی» وابسته به معاونت پژوهش دفتر تبلیغات اسلامی حوزه‌ی علمیه‌ی قم، شعبه‌ی اصفهان، بر همین اساس همگام با دیگر مراکز

پژوهشی ایران اسلامی، با تعریف مأموریت‌ها و شناخت مخاطبین خود، سلسله‌ای از طرح‌های پژوهشی را به اجرا گذارد؛ تا در غنای بیشتر دانش مایه‌ی مسلمین بکوشد و در این راه پر شکوه سهمی فراچنگ خود آورد. آنچه هم اکنون در قالب این دفتر فراروی خواننده‌ی ارجمند گشوده است یکی از ثمرات آن کوشش است؛ و امید تا قبول نظر مردم صاحب نظر شود.

مرکز مطالعات اسلامی
 معاونت پژوهش
 دفتر تبلیغات اسلامی - شعبه‌ی اصفهان

چکیده

بررسی‌ها نشان می‌دهد که در تمام جوامع، عده‌ای از افراد دارای یک سری عقایدی هستند که سایر افراد، آن عقاید را به اصطلاح «خرافی» می‌دانند. جامعه‌ی ما نیز از این قاعده کلی مستثنی نیست. لذا تحقیق حاضر به منظور بررسی میزان گرایش مردم به خرافات (به ویژه در حوزه‌ی دین) و به صورت مطالعه‌ی موردی در شهر اصفهان انجام شده است. از آنجا که سنجش خرافه، آن هم در حوزه‌ی دین، دقت و حساسیت ویژه‌ای می‌طلبد، سعی شد از گویه‌هایی استفاده شود که نشان دهنده‌ی اعتقاداتی باشد که به نوعی باورهای دینی را به چالش کشیده است و یا در بعضی موارد در تقابل مستقیم با آموزه‌های دینی است.

این تحقیق از نوع پیمایشی بوده و جامعه‌ی آماری تحقیق را کلیه‌ی شهروندان پانزده ساله و بیشتر شهر اصفهان تشکیل می‌داد که با توجه به پراکندگی متغیر اصلی تحقیق در پیش‌آزمون انجام شده در این شهر و سطح اطمینان ۹۵ درصد، حجم نمونه‌ی ۳۰۰ نفر محاسبه شد.

از جمله نتایج تحقیق می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۴۳/۷ درصد از پاسخگویان، گرایش کمی به خرافات داشته‌اند، ۳۸ درصد از پاسخگویان دارای حد متوسطی از گرایش به خرافات بوده‌اند و ۱۸/۳ درصد نیز دارای میزان بالایی از گرایش به خرافات بوده‌اند. میانگین گرایش به

خرافات زنان بیشتر از مردان است. میانگین گرایش به خرافات افراد مجرد و متأهل تفاوت معناداری ندارد. هر چه تحصیلات فرد افزایش پیدا کند میزان گرایش به خرافات او نیز کاهش پیدا می‌کند. هر چه میزان تحصیلات والدین پاسخگو بیشتر باشد میزان گرایش به خرافات او کمتر است. تفاوت معناداری بین افراد با سطوح مختلف دینداری به لحاظ گرایش به خرافات وجود ندارد. هر چه پایگاه اقتصادی اجتماعی فرد افزایش پیدا کند میزان گرایش به خرافات او کاهش پیدا می‌کند. به عبارتی، رابطه‌ی معکوسی بین این دو متغیر وجود دارد. هر چه سن پاسخگو افزایش پیدا کند میزان گرایش به خرافات او نیز افزایش پیدا می‌کند. به عبارتی، رابطه‌ی مستقیمی بین این دو متغیر وجود دارد. در پایان، بر اساس نتایج تحقیق، پیشنهاداتی نیز ارائه گردیده است.

فصل اول:

کلیات تحقیق

مقدمه

خرافات با زندگی دینی و عرفی مردم ما گره خورده است. از این رو، بررسی این موضوع و نیز توضیح و تشریح آثار و نتایج آن، ویژگی‌های آن، جنبه‌های مثبت و منفی، و خلاصه، بررسی تمام ابعاد آن، مسأله‌ای مهم و ضروری است. همچنان که می‌بینیم بسیاری از خرافات و عقاید مرسوم با فرهنگ مردم عجین شده و حتی به مرور جزئی از فرهنگ و آداب و رسوم و سنن شده‌اند. مثلاً می‌بینیم که مردم در روز سیزده فرودین بنا بر اعتقاد به نحس بودن روز سیزده، سعی می‌کنند که این روز را حتماً بیرون از خانه باشند و به اصطلاح سیزده را به در کنند (نحس آن را به در و از سر دور کنند) یا مثلاً می‌بینیم که شخصی خانه‌ای را که از هر نظر برای خرید مطلوب است پیدا نموده و به خاطر این که پلاک آن خانه ۱۳ است، از آن صرف نظر می‌کند. از این قبیل مثال‌ها در جامعه فراوانند و روزانه ما بسیاری از این خرافات را به چشم می‌بینیم. خُرافه، لغتی عربی است و ریشه‌ی آن «خرف» به معنی چیدن میوه است.

خرافه - با ضم حرف «خ» - به معنی حکایت، قصه و یا عقیده‌ای فاسد و رأی باطل است که جمع آن خرافات است. در واژه نامه‌ها در تعریف کلمه «خرافات» آمده است: «اعتقادات بی‌اساسی که با عقل و منطق و علم و واقعیت سازگاری نداشته باشد». خرافه پرستی نیز عبارت است از پیروی عقاید باطل بی‌اساس که با درجه‌ی فرهنگ و و دانش جامعه‌ای که فرد خرافی متعلق به آن است هیچ تناسبی نداشته باشد.^۱

مارگارت مید معتقد است: «خرافات از دیر زمان همراه انسان بوده و در هر تمدنی یافت می‌شود» ولی آنچه امروزه و در قرن ۲۱ دارای اهمیت است، وجود مردمی با فرهنگ بالا است که بتوانند با سرعت پیشرفت جهان، به پیشرفت و توسعه دست یابند و این توسعه و پیشرفت جامعه با عقاید خرافی و موهوم ممکن نخواهد بود و آنها مانعی بر سر راه تحقیقات و فناوری و علم و دانش هستند.

بی‌تردید، محل رشد و پرورش این عقاید جامعه است. جامعه‌ای که راه را برای پرورش خرافات هموار نموده و به آنها فرصت بروز و ظهور می‌دهد و مجال خرافه پرستی و خرافه گرایی را به انسان‌ها می‌دهد، در واقع، خود با تهدید بزرگی روبه‌رو می‌کند؛ چرا که انسان خرافه پرست و سستی، همیشه خود را به تقدیر می‌سپارد و تلاشی برای بهبود وضعیت خود و جامعه‌اش نمی‌کند؛ زیرا تقدیر و سرنوشت برای او تصمیم خواهد گرفت. این فرد مدام در منجلاب عقب ماندگی و رکود فرو خواهد رفت و خرافه پرستی رشد فکری و عقلی وی را مسدود و متوقف خواهد کرد. نتیجه‌ی این رکود و خرافه پرستی، توقف اختراعات و اکتشافات و به تبع آن عدم بهره‌گیری از علوم و فنون و عدم تسلط بر جهان هستی و ناتوانی در استفاده از آن خواهد بود.

۱. مولوی گنجه، بی تا: ۱.

پس برای شکوفایی رشد علمی و همچنین رشد فکری، نیازمند فرهنگ غنی در جامعه هستیم تا خود را به راحتی تسلیم طوفان حوادث نسازیم و خودکار و فعال در جهت تعالی و رشد، گام برداریم. در واقع، می‌توان گفت که مقوله‌ی فرهنگ به دو بخش فرهنگ مادی و فرهنگ غیر مادی (معنوی) تقسیم می‌شود. بخش مادی به تکنولوژی و فن و اختراعات اطلاق می‌شود، و پندارها و رفتار و عقاید انسان‌ها (که خرافه‌ها و افسانه‌ها بخشی از آن هستند) بخش غیر مادی فرهنگ را می‌سازند و در طول تاریخ همیشه این خرافات و افسانه‌ها بر رفتار انسان‌ها تأثیر قابل ملاحظه‌ای داشته‌اند. مطالعه‌ی تاریخ زندگی انسان نشان می‌دهد که در اغلب اوقات، پیدایش خرافات به خاطر هراس‌های انسان از شرایط مادی و روانی پیرامون بوده است. پس مطالعه‌ی آن‌ها به عنوان عناصری از فرهنگ باید مورد توجه قرار گیرد.

طرح مسأله

جامعه همواره نیازمند نیرویی است که یکپارچگی آن را حفظ و از تفرقه و تجزیه‌ی نیروهای آن جلوگیری به عمل آورد. انسان‌ها در طول تاریخ به انحاء مختلف در پی یافتن چنین راه حلی بوده‌اند؛ برای این منظور گاه از نیروهای الهی و آسمانی و گاه از شبه پیغمبران و مصلحان اجتماعی استفاده شده و گاه با تکیه بر نیروی زور و اجبار به چنین هدفی دست یافته‌اند.

اختلاف و تفاوت هنگامی گسترش می‌یابد که منابع کسب دانش، نگرش و شیوه‌ی عمل گوناگون باشد. در جوامع گذشته به دلیل وحدت تقریبی منابع فوق، نمودهای آن نیز از مشابهت‌های بسیاری برخوردار بود. شیوه‌ی معیشت و برخورد با طبیعت - که تعیین کننده‌ی بسیاری از مسایل زندگی انسان‌هاست -

اغلب کشاورزی یا دامداری یا تلفیقی از این دو بود. همه‌ی جوامعی که این شیوه‌های زندگی را از سر گذرانده‌اند، کم و بیش، شیوه‌ی اندیشه، احساس و عمل مشترکی داشته‌اند. همراه و همسو کردن افراد چنین جوامعی چندان مشکل نبوده و نیست. یک رهبر کاریزما و یا یک نیروی نظامی قدرتمند به راحتی می‌توانست قشر عظیمی از این افراد را به هر سو که خود می‌خواست هدایت کند. در چنین جوامعی، سطح تحصیلات و آگاهی افراد پایین، ارتباطات به طور کلی ضعیف و اندیشه‌ها جزمی‌تر بوده است، در نتیجه، تغییر نگرش و طرز اندیشه و عمل آنها به کندی صورت می‌گرفت، و به همین سبب، همگی در پشت اندیشه‌های جزم‌گرایانه‌ی خود سنگر می‌گرفتند و از زاویه‌ی عینک کوچک خود به جهان می‌نگریستند. در نتیجه، جز یک «حق» و یک «درست» نمی‌دیدند. در چنین حالتی و بر فرض این که همگی چنین تصویری داشته باشند، همگی حقند؛ «حق»‌هایی که جز با باورهای دیگران و نادیده گرفتن آنها حقانیتشان به اثبات نمی‌رسد.

امروزه، وضع به گونه‌ای دیگر است. به مدد پیشرفت‌های علمی از یک طرف و گسترش بی‌حد و حصر رسانه‌های جمعی از طرف دیگر، بشر به گونه‌ای متفاوت می‌اندیشد. امروزه، اگر کسی سکه‌کند نمی‌گویند "اجته به سراغش آمده‌اند." دیگر همه مثل هم نیستند، مثل هم فکر نمی‌کند و مثل هم عمل هم نمی‌کنند، بلکه عده‌ای تحصیلات عالیه دارند، عده‌ای هم هنوز بی‌سوادند و... این تنوع‌ها و تفاوت‌های به وجود آمده در خیلی زمینه‌ها، مباحثی و گاهی مشکلاتی را به وجود آورده است. یکی از این مباحث، خرافات است؛ چرا که عده‌ای از افراد، رفتارها و عقاید دیگران را خرافاتی (به معنی غیر عقلانی و غیر علمی) می‌دانند.

حال، مسأله اینجاست که در کشوری چون ایران، با آن سابقه‌ی درخشان تاریخی و آن تمدن باشکوه که روزگاری مهد علم و تمدن بود و بعد هم با آمدن دین مبین اسلام، که مدام از علم‌گرایی و عقل‌گرایی و مبارزه با جهل و تاریکی و خرافات سخن می‌گفت، جایگاه علم و عقل رفیع‌تر گردید، آیا خرافات وجود دارد؟ آیا باید خرافات وجود داشته باشد؟ مردم به چه میزان به خرافات اعتقاد دارند؟ و به چه میزان به آنها عمل می‌کنند و به نتایج آنها ایمان دارند؟ آیا پس از گذشت بیش از ۲۵ سال از انقلاب اسلامی و با افزایش چشمگیر میزان تحصیلات در کشور هنوز هم خرافات وجود دارد؟ چه کسانی خرافاتی‌ترند؟ جوانان یا سالمندان؟ زنان یا مردان؟ مجرودین یا متأهلان؟ و...؟ تحقیق حاضر درصدد است به سؤالات فوق پاسخ دهد.

اهداف تحقیق

هدف اصلی این تحقیق، شناخت خرافه‌های موجود در جامعه‌ی آماری (شهر اصفهان) است. به عبارتی روشن‌تر، تحقیق درصدد پاسخ به این سؤال است که: «مردم تا چه میزان به خرافات (به ویژه خرافاتی که به نوعی با دین چالش دارند) اعتقاد دارند و تا چه حد به آنها عمل می‌کنند؟»

در کنار هدف اصلی، اهداف فرعی زیر نیز دنبال می‌شود:

- تعیین رابطه‌ی میزان دینداری با میزان گرایش به خرافات؛
- تعیین تفاوت میزان گرایش به خرافات بین زنان و مردان؛
- تعیین رابطه‌ی سن با میزان گرایش به خرافات؛
- تعیین رابطه‌ی پایگاه اقتصادی - اجتماعی با میزان گرایش به خرافات؛
- تعیین رابطه‌ی میزان تحصیلات با میزان گرایش به خرافات.

تعاریف خرافات

خرافات به عنوان جزئی از فرهنگ عامه، ادبیات وسیعی در حوزه‌های جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، روانشناسی و سایر حوزه‌های علوم اجتماعی به خود اختصاص داده و همه‌ی علوم یاد شده هر یک به نحوی این مفهوم را تعریف نموده‌اند. از آنجایی که مرور تعاریف برای تحدید موضوع خرافه بسیار مهم است، در زیر به آنها پرداخته می‌شود.

در زبان‌های غربی طلسم و تعویذ و به طور کلی ابزارهای سحر و جادو را «فتیش»^۱ می‌خوانند و جادوکاری را به عنوان فتیشیسم^۲ یا «شم‌نیزم»^۳ و در زبان انگلیسی جادوگری را «ماجی‌سن»^۴ و جادو را «ماجیک»^۵ تلفظ می‌کنند. دهخدا در مورد خرافه می‌نویسد:

«نام مردی پری‌زده از قبیله‌ی عذر بوده است و او آنچه از پریان می‌دید نقل می‌کرد و مردم او را به دروغ می‌پنداشتند و باور نداشتندی و گفتندی: هذا حدیث خرافه و هی حدیث مستطیع کذب»^۶

ولی نویسنده‌ی کتاب «فرهنگ واژه‌های فارسی در زبان عربی» با دهخدا در مورد ریشه‌ی عربی این کلمه موافق نبوده و معتقد است ریشه‌ی اصلی این واژه فارسی است و بعد به زبان عربی رفته است. وی می‌نویسد:

-
1. Fetish.
 2. Fetishism.
 3. Shamanism.
 4. Magician.
 5. Magic.

۶. لغت‌نامه دهخدا، واژه‌ی «خرافه».

«این کلمه [خرافه] از خرفت در فارسی گرفته شده است و در عربی مصدر و فعل از آن ساخته‌اند. از جمله‌ی آنها یکی واژه‌ی «خرافه» است که به معنی افسانه در فارسی نیز رایج شده. واژه‌ی خرفت در همه جای ایران به معنی گیج و نفهم به کار می‌رود. در خوزستان این واژه را «خِرِف» تلفظ می‌کنند و «خِرِف‌خانه» دخمه‌هایی را گویند که از زمان زردشتی گری در بدنه‌ی کوه‌ها باقی مانده است و هر یک مقبره‌ی خانه‌ادگی یک خانواده بوده است. در میان عامیان شوستر، این افسانه رواج دارد که در دران باستان، طول زندگی انسان‌ها دراز بود که پیران از سالخوردگی گیج و نفهم می‌شدند و فرزندانشان از آنان به ستوه می‌آمدند. از این رو، آنان را در این اتاقک‌ها می‌نهادند با توشه و آب، تا بقیه‌ی عمر را در آنجا بگذرانند.»

خرافات در کتب مختلف با حدیث باطل، سخن بیهوده و یاوه،^۱ سخن موهوم و افسانه‌ای،^۲ درک نادرست علت‌ها و معلول‌ها، ترس از ناشناخته‌ها و اعتقاد افراطی به تأثیر عوامل ماوراءالطبیعه در زندگی بشر،^۳ هر نوع عقیده‌ی نامعقول و بی‌اساس^۴ تعریف می‌شود.

رابرت اینگرسول^۵ از خرافات یک تعریف عملیاتی ارائه می‌دهد، به نظر وی، خرافات عبارت است از:

۱. امام‌شوستری، ۱۳۴۷: ۱۹۹.

۲. عمید، ۱۳۶۵: ۱۰۰۱.

۳. فروتن، ۱۳۷۴: ۸۰۲.

۴. صدری افشار، ۱۳۷۰: ۴۱۳.

۵. فرهنگ اکسفورد.

«اعتقاد به پدیده‌هایی که شواهد تجربی برای آن موجود نباشد، تخمین یک راز به وسیله‌ی راز دیگر، اعتقاد به این که جهان به وسیله‌ی شانس و هوس هدایت می‌شود، ارایه‌ی افکار، تمایلات و مقاصد با اشاره به طبیعت اولیه‌ی آن‌ها، اعتقاد به این که ذهن قادر به کنترل پدیده‌هاست، اعتقاد به این که نیروها خارج از ذات خود هستند و یا ذوات از نیروهای خود بیرون هستند، اعتقاد به ماوراءالطبیعه، و اعتقاد به معجزه، سحر، طلسم و غیب‌گویی»^۱

به زعم وی، اساس خرافه بر نادانی استوار است و زیر ساختار آن، عقاید و منزلگاه آن امیدهای واهی است، لذا خرافه فرزند نادانی و مادر بیچارگی است. تعریفی که اینگرسول از خرافه ارایه می‌دهد مبنای بسیاری از تعاریف ارایه شده در حوزه‌ی اعتقادات خرافی است. آنچه بر اعتبار تعریف اینگرسول افزوده و مبنای تعاریف بسیاری از صاحب‌نظران قرار گرفته، وسعت تعریف و عملیاتی نمودن مفهوم خرافه است.

کوهرلر^۲ معتقد است که خرافه یک اعتقاد غیر معقول یا غیر علمی در مورد ایفای نقش پدیده‌ها در جهان است که این اعتقاد یا بر اساس تقلید شکل گرفته است و یا با تمایلات بیمارگونه (معمولاً بیمارگونه) همراه است. بنابراین، خرافه همواره ملازم طلسم، معجزه و جادو است.^۳

پاره‌تو اعتقاد دارد که خرافات به قوای مرموز سحرآمیزی اشاره دارد که از دنیای تخیلات ریشه گرفته و با فرهنگ آمیخته شده و توسط اعضای

۱. ایپا، ۱۳۸۲: ۳.

2. Peter Kohler.

۳. همان: ۳.

اجتماع به عنوان یک امر طبیعی پذیرفته شده است.^۱

خرافه یک پدیده‌ی روحی - اجتماعی است که از هزاران سال پیش تاکنون در ذهن بشر نفوذ کرده است که در عمل طرز تفکر و استدلال او را تحت سلطه‌ی خود در آورده، به طوری که با غریزه‌ی او عجین شده است. در واقع، عقل و استدلال قادر نیست که در همه‌ی موارد بر غریزه‌ی تحت سلطه‌ی خرافات برروز شود. نگاهی گذرا به تاریخ زندگی انسان نشان می‌دهد که پیدایش خرافات ناشی از هراس‌های انسان از شرایط مادی و روحی پیرامون اوست و این اندیشه‌های خرافی در گذران سال‌ها، سینه به سینه به نسل‌های بعدی منتقل شده و این استفاده همچنان ادامه دارد.^۲

اصطلاح خرافات، به معنی گفته‌ها و عقاید بی‌بنیان و بیهوده به کار می‌رود که همراه با قضاوتی ارزشی است و گوینده به عنوان صفتی بد، به دیگران نسبت می‌دهد و معمولاً در هر جامعه مقداری از اعمال و رفتار و سنت‌ها یافت می‌شود که از دیدگاه اعتقادی و فرهنگی و اجتماعی جامعه‌ی دیگر غیرمنطقی، غیراصولی و بالاخره، «خرافات» هستند.^۳

برخی کتب لغت، خرافه را کلام باطل و بیهوده، پریشان و افسانه معنی کرده‌اند.^۴

علامه طباطبایی می‌فرماید: «اعتقاد به آنچه علم به حقیقت آن نداریم و نمی‌دانیم خیر است یا شر، جزء خرافات است.»

۱. همان: ۳.

۲. وارینگ: ۱۳۷۱: ۶.

۳. روح‌الامینی، ۱۳۶۹: ۸.

۴. لغت‌نامه‌ی دهخدا، واژه‌ی خرافه.

با توجه به آنچه در کتب لغت و دانش میتولوژی (شناخت افسانه و اساطیر ملل) و برخی متون دینی درباره‌ی خرافات آمده می‌توان نتیجه گرفت که «خرافه یا خرافات عبارتست از اعتقادات بی‌اساسی که با عقل و منطق و علم و واقعیت سازگاری نداشته باشد، مثل اعتقاد به نحس بودن عدد سیزده (سیزده فرودین ماه نزد ایرانیان و یک‌شنبه سیزدهم هر ماه نزد اروپاییان)، فال نیک و بد، شوم بودن چهارشنبه برای مسافرت، جن‌گیری، نحوسست هدیه دادن چاقو، شکستن نمکدان، سعادت آوردن آتش‌افروزی در چهارشنبه سوری، اسپند دود کردن، بدیمن بودن رنگ سیاه جغد و اعتقاد به شانس و ...»^۱

لغت خرافات در فرهنگ غیر مادی جامعه از مقوله‌های شعور اجتماعی است و از نظر منشأ، از میراث اجتماعی قدیمی بازمانده از اقوام باستانی کلدانیان، بابلیان و اعراب پیش از اسلام است، که امروزه از جمله آسیب‌های اجتماعی است. از این رو، جنبه‌ی بداموری دارد و دارای صفت بازدارندگی از پیشرفت است و در جامعه‌های سنتی و ایستا بیشتر رواج دارد و از نظر جامعه‌شناسی، پدیده‌های اجتماعی برخاسته از زندگی، در جامعه‌های قدیمی دور از علم و شناخت درست مبتنی بر اسطوره شناختی هستند.^۲

کلمه‌ی «خرافه» که مفرد خرافات است، در لغت به معنای زوال عقل ناشی از پیری است و نیز به معنی افسانه و داستان بی‌اساس، و به عبارت دیگر، اعمال و عقاید خلاف عقل است، و در اصطلاح، خرافات یعنی اخبار و اعمال و عقیده‌های بی‌اساس و باطل. بنابراین، منظور از خرافات، خبرها، عقیده‌ها، اندیشه‌ها، عادت‌ها و اعمال غیر علمی و خلاف منطق است که جنبه‌ی

۱. حاج سیدجوادی، ۱۳۷۵: ۲۷۶.

۲. فضایی B، ۱۳۷۶: ۴۸۳.

بدآموزی دارند و باعث عقب نگه داشتن اذهان افراد کم سواد و بی تجربه می شوند. از این رو، بر معلمان اجتماعی است که از اشاعه و رواج آنها در جامعه‌ی رو به رشد جلوگیری کنند.^۱

تایلور معتقد است:

«خرافات، در واقع، یک نظام فلسفی صادقانه ولی سفسطه آمیز است که اندیشه‌ی آدمی به کمک فرایندهایی که هنوز هم تا حدود زیادی برای ذهن ما قابل درک نیست رشد داده است. به این ترتیب، تکیه گاهی اصیل در جهان دارد اگر چه واقعیت‌ها همیشه سخت مغایر با چنین دیدگاهی بوده، اما از این شواهد فقط در سال‌های اخیر آن هم به تدریج به شیوه‌ی سرنوشت سازی استفاده شده است.»^۲

خرافات، اغلب، همچون ابزار خاص حیاتی هستند که آدمیان و گروه‌ها برای این که به خود اعتماد کنند و از هر آنچه موجبات اضطراب آنان را فراهم می سازد ایمن شوند، پدید می آورند. به این معنی، خرافات آرام بخش وجدان نیک اند. اساس خرافات را وضع اجتماعی، اعتقادات و تجربیات خاصی که به گروه منتقل می شوند تشکیل می دهند. بسط و نشر خرافات تحت تأثیر تلقین و تقلید صورت می گیرد.

خرافات به پدید آمدن شکل‌های گوناگون رفتار و طرز تلقی با نگرش‌های منفی نظیر تبعیض، قوم مرکزی، نژاد پرستی، تجربی افراد و گروه‌ها و دوری طبقات از یکدیگر می انجامد. خرافات از نظر روانی - اجتماعی موجب فرافکنی یا وسیله‌ی برون افکنده شدن احساس گناه گروه‌های ممتاز در درون

۱. همان: ۴۸۳.

۲. جاهد، ۱۳۷۱: ۵۹.

سلسله مراتب اجتماعی است که میل به تردید در مورد آن را ندارند. بدینسان، گروه‌های تحت سلطه را منتسب به داشتن نواقص، فرومایگی و حتی فقدان اخلاق می‌کنند تا وضع نابرابر آنان را توجیه کنند. از این رو، آنان را مسؤول آشفته‌گی‌های اجتماعی و اقتصادی و سیاسی قلمداد می‌کنند.^۱

در بررسی لغت نامه‌ها سلسله تعاریفی وجود دارد که از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- هر گونه عمل یا رفتاری که فاقد پشتوانه‌ای قطعی در معارف دینی و علوم متعارف عصر باشد، چنان چه به حد استمرار به مقبولیت عام رسیده باشد، خرافه محسوب می‌شود؛^۲

- خرافه نوعی نظام مذهبی و گریز از امور جدی دین است که بدون وارد شدن در یک سیستم معلوم مذهبی صورت می‌گیرد؛^۳

- خرافه توجیهی مذهبی از پدیده‌های عینی و واقعی است که به تدریج رنگ ارزشی به خود گرفته است؛^۴

- علت‌یابی برای وقایع محسوس به امور ماورایی، یعنی تعلیل محسوس به محسوس نکردن (در غیر از موارد معجزه)؛^۵

- رفتاری که به طور تصادفی و نامربوط تقویت شود، رفتار خرافی است و یا آن را ایجاد می‌کند؛^۶

۱. سمیدیان، ۱۳۷۵: ۱۷۳۶.

۲. خاشمی، ۱۳۷۹: ۸.

۳. دبیرخانه‌ی شورای فرهنگ عمومی استان لرستان، ۱۳۷۵: ۱۰۷.

۴. همان: ۱۰۷.

۵. همان: ۱۰۷.

۶. همان: ۱۰۷.

- وحشت غیرمنطقی یا ترس از یک چیز ناشناخته، مرموز و خیالی، یک عقیده، تردید یا عادت و امثال آن که ریشه در ترس یا جهل دارد.^۱

در چشم‌انداز انسان‌شناسی، خرافه عبارت است از باور و وابستگی شدید عاطفی به یک عمل. در باورشناسی خرافه، این عمل به گونه‌ای غیرمعقول و خارج از روال عادی و طبیعی و علمی در پیدایش، بهبود و یا از میان رفتن یک وضعیت، مؤثر واقع می‌شود. بی‌گمان، خرافه در مقاطعی از تاریخ فرهنگ هر مردم کارکرد مثبت داشته، ولی در گذر زمان نقش آن کاسته شده است.^۲

خرافات پرستی عبارت است از پیروی عقاید باطل بی‌اساس که با درجه‌ی فرهنگ و دانش جامعه‌ای که شخص خرافی منسوب به آنست هیچ گونه تناسب نداشته باشد.

از این تعریف منطقی و لفظی، مفهومی قابل ملاحظه و صحیح به دست می‌آید که خرافات وقتی خرافات است که عقاید علمی زمان در محیط جامعه‌ای که از این لحاظ مورد نظر باشد بسط یافته و غلط و باطل بودن آن را دست کم برگزیدگان و روشندان آن قوم بدانند و گرفته در صورتی که جامعه به موجب یک نوع مقدمات که صورت عقلی داشته باشد آنها را به نظر حقایق بنگرد، خرافات نشاید نامید.^۳

با اندکی دقت در تعاریف یاد شده در می‌یابیم که خرافات اصطلاحی است مقید به زمان و مکان.

در جامعه‌ی معاصر ما افرادی که عقایدی خلاف عقاید مورد قبول اکثریت

۱. جامواد، ۱۳۷۱: ۴۷.

۲. خاشمی، ۱۳۷۹: ۱.

۳. پاکدامن، ۱۳۷۸: ۳۷.

مردم دارند سعی می‌کنند این عقاید را در لفافه‌ای از کلمات که بار معنایی مثبت دارند پیچیده و آنها را معرفت قدیم، حکمت شرق و... بنامند. این افراد، اغلب، خود را یک اقلیت، روشن بین می‌دانند و از این که کسی آنها را خرافی بداند رنجیده خاطر می‌شوند، اما آنچه مسلم است خرافه، خواه جنبه‌ی قدیمی داشته یا نداشته باشد، در هر حال، به شیوه‌ی جامعه‌شناختی قابل بررسی است.^۱

سایر نظریه‌پردازان و متفکران نیز از عقاید خرافاتی تعاریف نظری متعددی ارائه نموده‌اند که مشترکاً بر اصطلاحاتی چون جهل، غیرمنطقی و خیالی بودن امور خرافی اشاره دارند. به گونه‌ای که نمی‌توان هیچ گونه مبنای تجربی و علمی برای آن فرض نمود. بنابر این، در یک جمع‌بندی کلی، خرافه را می‌توان این گونه تعریف نمود:

«خرافه عبارت است از سلسله باورها و عقایدی که احتمالاً بیشتر از جهل و ناآگاهی انسان درباره پیوندهای علی پدیده‌ها شکل گرفته و با موازین علمی و عقلی همخوانی ندارد.»

تاریخچه‌ی خرافات در ایران

بخش عظیمی از قلمرو فرهنگ عامه، به اعتقادات و باورهای اختصاص دارد که برخی از آنها جنبه‌ی محلی و منطقه‌ای و برخی دیگر جنبه‌ی ملی و یا بین‌المللی دارند. به عنوان مثال، سرشت تغییر ناپذیر، سرنوشت، بدشانسی، چشم‌زخم، نحوست عدد سیزده و... عقایدی هستند که در سطح گسترده‌تری در اغلب جوامع بشری حضور دارند. در واقع، آرای شکل گرفته‌ای هستند که نسل به نسل منتقل شده‌اند و در بُعد زمان و مکان تغییر یافته و دچار حذف و

۱. دبیرخانه‌ی شورای فرهنگ عمومی استان لرستان، ۱۳۷۵: ۱۰۸.

اضافاتی شده‌اند که افراد معمولاً به یک نسبت به همه‌ی آنها معتقد نیستند. این اعتقادات از وابستگی کامل تا بی‌اعتقادی کامل به اندیشه‌ها متغیر است. برخی، آنها را خرافه می‌دانند و برخی دیگر سخت بدان پایبندند.

مطالبات روانشناختی خرافات نشان می‌دهد که معمولاً در مواقع حساس و لحظه‌هایی که عدم اعتماد و اطمینان به آینده وجود دارد، خرافات زاده می‌شود. مثلاً در رویارویی با مسایلی همچون تولد، بیماری، قحطی و فقر و حوادث طبیعی و پیشامدهایی از این قبیل که همیشه برای بشر منبع اضطراب بوده‌اند و احساس شکست و ترس و خشم به دنبال داشته‌اند و چون هیچ کدام از اینها را آدمیزاد نمی‌توانسته از راه علم و منطق توجیه کند. به خرافات و اعتقادات رو آورده است تا از اضطراب و تشویش درونی رها شده، تسکین خاطر پیدا کند.^۱

هرگاه خرافات و اعتقادات و افکار ملل وحشی، نیمه متمدن و متمدن را با هم مقایسه می‌کنیم به این مطلب بر می‌خوریم که تقریباً همه‌ی آنها از یک اصل و چشمه جاری شده و به صورت‌های گوناگون بروز کرده است. دانشمند بزرگ، ادوارد تایلر، که تحقیقات مفصلی در مقایسه‌ی آداب و رسوم و خرافات ملل گوناگون انجام داده، می‌گوید: «وقتی ما عادات و اعتقادات ملل وحشی را با ممالک متمدن می‌سنجیم تعجب خواهیم کرد که چقدر از قسمت‌های تمدن پست با تغییر جزئی در تمدن عالی دیده و شناخته می‌شود و گاهی هم مطابقت تام دارد».^۲

بنابراین، بسیاری از خرافات موجود در ایران متأثر از خرافات ملل دیگر است. مثلاً همسایگانی مانند کلد و آشور که می‌توان آنها را مادر خرافات و جادو نامید، خداهای ترسناکشان، قربانی‌ها، سعد و نحس روزها، ساعت‌ها،

۱. خاشمی، حسین، ۱۳۸۰: ۱.

۲. هدایت، ۱۳۸۱: ۲۳.

تأثیر ستاره‌ها در سرنوشت انسان و غیره را وارد خرافات ایرانیان کرده‌اند. ایرانیان کمتر از همسایگان خود استعداد گرفتن خرافات را داشته‌اند، ولی روی هم رفته، افکار آنان در ایران بدون تأثیر نبوده است. از آنها که بگذریم، هجوم یونانیان با پیشگوها، خداها و نیمچه خدایانشان، بُعد مجاورت با رومیان و منجم‌باشی‌ها، معتبرین و اخترشناسان، از طرف دیگر، مهاجرت یهودیان و خرافاتی که از مصر و بیابان‌های عربستان با خودشان آورده‌اند، و بالاخره، حمله‌ی عرب‌ها پای‌ی این خرافات را در ایران مستحکم کرده است. یهودی‌ها به واسطه‌ی خوشاوندی خون و نژاد با عرب‌ها موقع را غنیمت شمرده، کمک بزرگی به شیوع خرافات نموده‌اند.^۱

صادق هدایت معتقد است: «آداب عقد و عروسی و شادی و یا افکار بی‌زبان خنده آور و افسانه‌های قشنگ ادبی به طور کلی، تأثیر خوبی در زندگی دارد. آنها قدمت ملی را نشان می‌دهد که زیاد بیدار شده، زیاد فکر کرده و زیاد افکار شاعرانه داشته است، ولی خرافاتی که از خارج به ایران آمده زندگی را مشکل و زهرآلود می‌کند، مانند اعتقاد به ساعت خوب و بد، قربانی، سعد و نحس ستارگان، تقدیر و...»^۲

باید دانست که یک قسمت از این عادات و خرافات که امروزه در نظر جامعه زشت و ناپسند می‌آید، بیشک، فکر ایرانی آنها را ایجاد نکرده است، بلکه در نتیجه‌ی معاشرت با نژادهای بیگانه و به واسطه‌ی فشارهای مذهبی و خارجی تحمیل شده است. یکی از صور خرافات، تقال و تطییر زدن عوام است از آواز جانوران که بعضی اتفاقات و تصادفات و اشکال چیزها، همچنین موضوع آمد - نیامد، بدشگون و خوش شگون و غیره مربوط به همین قسم

۱. همان: ۲۶.

۲. هدایت، ۱۳۸۱: ۳۲.

است. و در نتیجه، تصادف و آزمایش یک یا چند نفر که در نظر عوام اعتبار داشته‌اند بر سر زبان‌ها افتاده است. اینگونه تفال در نزد همه‌ی ملل دنیا وجود دارد و خیلی نزدیک و شبیه به یکدیگر می‌باشد. اعتقادات و خرافاتی که از ملل بیگان، مانند سیت‌ها، پارت‌ها، یونانی‌ها، رومی‌ها، و به ویژه ملل سامی، مانند کلدانیان، بابلیان، یهودیان و عرب‌ها به ایران سرآزیر گردیده یا در نتیجه‌ی تحمیل مذهبی به مردم تزریق شده یا به وسیله‌ی تحریف و دخل و تصرف در آداب بومی، به صورت بیگانه در آمده‌اند. این تأثیر از زمان هخامنشیان و نفوذ مذهب در دین زرتشتی شروع می‌شود و چون می‌دانیم که اغلب آنها از نژاد بیگانه بوده‌اند، مانند سیت‌ها و پارت‌ها و سامی‌ها، و کار آنان اخترشناسی، طالع‌بینی و جادوگری بوده، بالأخره همان‌ها باعث شدند که دین زرتشتی را به واسطه‌ی خرافاتی که به آن بستند، ضعیف نمایند.^۱

هنگامی که مغولان بر سرزمین‌های باور داشت یافتند پیرو عقیده‌ی شَمَنی بودند که در آن اصول معتقدات، کاملاً مشخص نگردیده بود. آیین شَمَنی گونه‌ای یکتاپرستی ناقص است که در آن خداهای گوناگون در نگهداری و نظم بخشیدن به کاینات و هستی با خدای یگانه سهیم بودند و بت‌های متعدد به عنوان یزدان، پرستش می‌شده است. به علاوه، در این آیین ارواح نیک و ارواح پلید و فرشتگان و اهریمنان در زندگی روزمره اهمیت اساسی داشته‌اند. گرایش به خرافات و جادوگری به منزله‌ی عواملی برای مصون ماندن از مصایب و چشم‌زخم‌ها و ایمن ماندن از بلاهای آسمانی و زمینی چون رعد و برق، زلزله، سیل، قحطی، بیماری و غیره در میان مغولان رواج داشته است و یکی از ارکان اساسی باورهای دینی آنان بوده است.^۲

۱. سعیدیان، ۱۳۷۵: ۱۷۳۸.

۲. پاکدامن، ۱۳۷۸: ۷۸.

در دوره‌ی مغول که دوره‌ی تزلزل روحی و اخلاقی بود و مردم خود را اسیر دست سرنوشت احساس می‌کردند، برای نجات و رهایی از دست ناملایمات و آگاهی از آینده و برای پیش‌بینی‌های لازم، به احوالات و احکام نجوم و تفال متوسل می‌شدند، بازار پیشگویان پر رونق بود و متاعشان خریدار داشت. در این دوره است که جنگ شدید بین فرهنگ‌ها و ادیان و فرقه‌های مختلف صورت می‌گیرد و هیچ مُصلح حقیقی که باعث تنش‌زدایی شود یافت نمی‌شود و هر گروهی سعی دارد تا با تقرب خودش به دستگاه خلافت در پناه آنها ادامه‌ی حیات دهد. از طرف دیگر، نزاع بین شیعه و سنی و نبود اتحاد بینشان باعث انحطاط بیشتر جامعه شد. به همین جهت، جنبش‌های فکری و اجتماعی این دوران که آمیخته‌ای از تصوّف و تشیع بوده است و از اندیشه‌های بدعت‌آمیز همه‌ی فرقه‌های کهن اسلامی و شطحات غیرصوفیانه و نیز افکار مسیحی و یهودی سود جسته، چنین تراشیده شده که قادر به غیب‌آموزی و پیشگویی و آینده‌نگری است. که اینها عکس‌العملی در قبال بیداد حاکمان زمان و ظلمتی است که بر سر مردم دوران مغول سایه افکنده بود.^۱

به طور کلی، می‌توان علل شیوع خرافات در عهد مغول را چنین دسته‌بندی کرد:

- ۱- حمله‌ی مغول‌ها؛ ۲- فرهنگ و معتقدات مغول‌ها و راسخ کردن آنها همگام با فرهنگ و عقاید اسلامی؛ ۳- هرج و مرج داخلی و ایحاد نزاع‌های مختلف بین فرق و ادیان؛ ۴- متبلور شدن تصوّف و صوفی‌گرایی.

۱. همان: ۸۳.

۲. همان: ۸۷.